

آسیب شناسی تربیت معنوی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا عشقی^۱

دکتر مسعود جعفری نژاد^۲

چکیده

رسالت اصلی نظام آموزشی در جوامع مختلف، ایجاد تغییرات گوناگون در افراد به منظور توسعه انسانی و در نهایت توسعه اجتماعی است. این تغییرات در سه زمینه مورد توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده است: تغییر در دانش، تغییر در نگرش و تغییر در توانش. این مقاله به دنبال آن است که با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود تربیت معنوی در نظام آموزشی و با نظر به شاخص های برگرفته از آموزه های دینی (اعم از قرآن و سنت)، به آسیب شناسی تربیت معنوی در نظام آموزشی کشور بپردازد. هدف اصلی در هر نظام آموزشی، تحقق تربیت به معنای واقعی آن، یعنی «تقویت و استقرار صفات جهان شمول هماهنگ با فطرت انسانی» است. در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران هم دستیابی به اهداف تربیت از جمله تربیت اخلاقی، به سبب ماهیت اسلامی آن، از اهمیت و جایگاهی ویژه ای برخوردار است. در این مقاله ابتدا با استفاده از روش فراتحلیلی و اسنادی، مجموعه ای از تحقیقات انجام گرفته در عرصه تربیت معنوی در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از روش تحلیلی- استنتاجی تلاش گردیده است با بررسی متون دینی، شاخص هایی جهت نقد وضعیت موجود استخراج گردد و در پایان جهت اصلاح و بهبود کمی و کیفی روند تربیت معنوی دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور راهکارهایی ارائه شود.

کلید واژگان: آسیب شناسی، تربیت معنوی، نظام آموزشی، حیطة عاطفی، روش های فعال تدریس.

مقدمه

الف) بیان مسئله

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، Email:mreshghi@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، Email:jafarinezhad@iaush.ac.ir

لا تفسروا لادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای آینده و زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. «حضرت علی (علیه السلام)»

تربیت و معنویت، مسایل مهمی است که ضرورت توجه به آنها توسط اندیشمندان و دلسوزان دین هم مطرح شده است. شهید مطهری به نقل از اقبال لاهوری می نویسد: «بشریت امروز به سه چیز نیازمند است: تعبیری روحانی از جهان، آزادی روحانی فرد و اصولی اساسی و دارای تأثیر جهانی که تکامل اجتماع بشری را بر مبنای روحانی توصیه کند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۲). مطهری معتقد است در عصر ما یک جنایت بزرگ که به صورت فلسفه و سیستمهای فلسفی مطرح شده است، این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان هیچ بحث نمی کنند و حقیقت " نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي " فراموش شده است (مطهری، ۱۳۸۱: ۴۰). اندیشمندان غرب غفلت نسبت به معنویت را تذکر داده اند؛ برای مثال فرانکل و الکنیس ۲۰۰۰ (معتقدند که ما در دوران سرگستگی معنوی به سر میبریم و این در حالی است که بسیاری از افراد عطش معنویت دارند. بی معنایی، مسئله وجودی اصلی زمانه ماست و باید به تربیت توأمان با معنویت توجهی جدی کرد. اگرچه برخی، روشهای گوناگون برای این نیاز بشر عرضه کرده اند، عده ای نظیر مطهری معتقدند که معنویت حقیقی، تنها بر مبنای دین حاصل میشود و نه چیز دیگر. مطهری در اینباره معتقد است: «درد امروز جامعه بشری این است که بشر امروز میخواهد آزادی اجتماعی را تأمین کند، ولی به دنبال آزادی معنوی نمیروود؛ یعنی نمیتواند؛ قدرتش را ندارد. چون آزادی معنوی را جز از طریق نبوت، دین، ایمان و ارزشهای اخلاقی نمیتوان تأمین کرد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۰). اما از طرفی بررسی و ارزیابی نظامهای آموزشی نشان داده است که مدارس نمیتوانند در تعیین اهداف، محتوا و روش خود صرفاً به دین و متون دینی محدود شوند. نیازهای گوناگونی در جامعه هست که سبب شده است امروزه مدارس کمتر با رویکرد دینی و مذهبی به تعلیم و تربیت افراد بپردازند. البته این انگاره، که معنویت از طریق برنامه درسی آموزه های دینی به دست می آید، سخنی صواب است؛ اما مسئله این است که چه ربط و نسبتی بین معنویت و سایر دروس نظیر هنر، علوم، ریاضیات و غیره در تربیت وجود دارد. آیا پرورش بعد معنوی فقط باید از طریق دروس خاصی نظیر تربیت دینی صورت پذیرد؟ سایر دروس و مدرسان چه تکلیفی در برابر بعد معنوی انسان دارند؟

به زعم سسرو و پرات (۲۰۱۱) ویژگیها و عمل نظامهای آموزشی طی دهه های اخیر بر پیشرفت تحصیلی، تسلط بر موضوعات درسی، آموزش مهارتهای لازم برای شرکت و موفقیت در آزمونها و در نتیجه نادیده گرفتن رشد اجتماعی، عاطفی و معنویت فراگیران مبتنی بوده است. از نظر مطهری کمال انسان در تعادل و توازن اوست، انسان با داشتن استعدادهای گوناگون، زمانی انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۱). ارزیابی برنامه های درسی در جامعه ما نشان میدهد که به دلیل منحصر کردن رشد معنوی فراگیران از طریق اجرای برنامه درسی تعلیمات دینی و در نتیجه به دلیل حاکمیت رویکرد برنامه درسی دیسیپلینی و موضوعی، رشد معنوی در فرایندهای آموزشی کمرنگ یا محو شده است. هدف ما، بررسی و تشریح ماهیت معنویت و تربیت و رویکرد

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

معنوی و تربیتی در الگوی پیشرفت در حوزه برنامه درسی است، و لذا تلاش شده است ضمن تحلیل و تشریح رویکرد معنوی و تربیتی و عوامل آن از دیدگاه های مختلف، عناصر این رویکرد معرفی، و ربط و نسبت آن با سایر محتوای آموزشی تبیین شود.

آموزش و پرورش در هر جامعه رسالت های ویژه ای دارد که در صدر آنها مسئله تربیت و سپس تعلیم واقع است. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش می خواهد تغییرات گوناگونی در افراد و جامعه ایجاد کند؛ تغییر در دانش ها، تغییر در نگرش ها و تغییر در توانش ها. از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی تغییر در نگرش، در اولویت است؛ یعنی تربیت بر آموزش مفاهیم نظری تقدیم دارد. اینکه در آیات قرآن و احادیث همه جا تزکیه بر تعلیم مقدم شمرده شده، بر همگان بدیهی است و نیاز به آوردن شاهد نیست؛ اما تذکر این نکته ضرورت دارد که تقدم امری بر امر دیگر، به معنای بی توجهی و نفی امر متاخر نیست. به عبارت دیگر، ما بدون تغییر دانش نمی توانیم تغییر نگرش ایجاد کنیم و این تغییرات، هم زمان و باهم انجام می گیرد و در آموزش و پرورش انسان نمی توان آنها را از یکدیگر جدا کرد (تصدیقی، ۱۳۷۴).

تاکید بر تربیت و تغییر نگرش در آموزش و پرورش اسلامی، بدین معناست که تغییر در دانش و توانش باید در خدمت تربیت و تغییر نگرش باشد. ضرب المثل «ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل» نیز، تاکید بر همین مطلب است. به دیگر سخن در آموزش و پرورش اسلامی، تربیت از تعلیم جدا نیست؛ بلکه هر دو، دور روی یک سکه اند. پس از انقلاب اسلامی بر تربیت معنوی کودکان، نوجوانان و جوانان به عنوان یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تاکیدهای فراوان شد؛ از این رو انتظار می رفت که آنان - بر خلاف دوران پیش از انقلاب - اعتقادات مذهبی راسخ تر، عمیق تر و استوارتری داشته باشند و در انجام دادن رفتارهای مذهبی پایبندی بیشتری نشان دهند؛ اما بررسی ها، تحقیقات و تجربه ها در این زمینه نشان می دهد که به رغم همه تلاش ها متأسفانه بی رغبتی و بی تفاوتی قابل توجهی در این نسل نسبت به مسائل معنوی دیده می شود.

این پرسش در اینجا مطرح می شود که چرا ما در تربیت معنوی فرزندان خود موفق نبوده ایم؟ از قرآن کریم استنباط می شود که خداشناسی بلکه دین، به طور کلی و در تمام ابعاد، یک امر فطری است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الناس معادن کمعان الذهب و الفضة؛ «انسان ها همانند معادن هستند، برخی معدن طلا و برخی دیگر معدن نقره اند» (کلینی، روضه کافی، ص ۱۷۷).

بر این اساس کودکان، نوجوانان و جوانان، همه خوبی ها و کمالات - اعم از اخلاقی و دینی - را در خود دارند و مربیان موظفند که به تدریج آنها را استخراج کنند. بدیهی است که وقتی کسی چیزی را دارد، جایگاهی برای تحمیل کردن آن وجود ندارد (کبیرزاده، ۱۳۸۰).

به عبارت دیگر، انسان ها به طور فطری خداجو و خداپرست آفریده شده اند؛ اما شکوفایی فطرت خداجویی و خداپرستی، مستلزم آن است که انسان ها در یک محیط مساعد و مناسب قرار گیرند.

عزالدین ابن اثیر مورخ قرن ششم و هفتم در کتاب النهایه به مناسبت حدیث معروف نبوی: کل مولود یولد علی فطره حتی یكون ابوهما اللذان یهودانه و ینصرانه؛ «هر مولودی به فطرت خداپرستی به دنیا می آید؛ اما پدر و مادر او، وی را از مسیر اصلی منحرف می کنند»، معتقد است که عوامل محیطی در راه تعمیق تربیت دینی مانع ایجاد می کند (به نقل از سادئی، ۱۳۷۵).

بنابراین بدیهی است که همه انسان ها - به ویژه نوجوانان و جوانان به لحاظ فطرت پاک خود- به دین و دستورات دینی گرایش دارند؛ اما ممکن است عواملی مانع از تحقق اهداف تربیت دینی در آنها شود. این موانع را می توان به دو دسته ی درون سیستمی و برون سیستمی تقسیم کرد. منظور از عوامل درون سیستمی، عواملی است که به نظام آموزشی و سازوکارهای آن مربوط می شود، و مقصود از عوامل برون سیستمی، عواملی است که خارج از نظام آموزشی بر روند تربیت معنوی در نظام آموزشی اثر می گذارد؛ از قبیل نظام تربیتی خانواده، نظام های ارزشی کاذب در جامعه، تهاجم فرهنگی و

در این مقاله پس از تعریف تربیت و تربیت معنوی، آسیب شناسی تربیت معنوی از دیدگاه درون سیستمی مورد بحث واقع شده است. این بدان معنا نیست که عوامل بیرونی در تحقق تربیت معنوی بی تأثیر است؛ اما به نظر می رسد که عوامل درونی، اهمیت بیشتری دارند و به همین دلیل در این مقاله به آنها پرداخته شده است. پس از بیان آسیب های تربیت معنوی در نظام آموزشی، راهکارهای لازم برای رفع آنها معرفی شده است.

در صورتی که آسیب های تربیت معنوی در نظام آموزشی با توجه به راهکارهای پیشنهادی برطرف نشود، زیان های جبران ناپذیری بر پیکره ی جامعه و تربیت انسان ها وارد خواهد شد. بدان امید که در اثر توجه به راهکارهای تربیت دینی در نظام آموزشی، شاهد تعمیق تربیت دینی و ارزش های اسلامی در نوجوانان و جوانان ایران اسلامی باشیم.

ب) اهداف

این مقاله چنین اهدافی را در نظام آموزشی برای تحقق تربیت معنوی دنبال خواهد کرد:

۱. تغییر نگرش مولفان و برنامه ریزان درسی؛

۲. تغییر نگرش معلمان و مربیان؛

۳. تغییر نگرش، دانش و توانش معلمان در استفاده از روش های فعال تدریس؛

۴. توجه بیشتر معلمان به حیطة عاطفی در تدریس درس های دینی.

تحقق اهداف بالا زمینه را برای تعمیق تربیت دینی در مدارس، آسان خواهد کرد و نظام آموزشی را پویایی تازه ای خواهد بخشید.

ج) مبانی نظری

تعریف مفهوم تربیت و تربیت معنوی

«تربیت»، مفهوم بی‌پایان و بی‌کرانه‌ای است که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد؛ تربیت نه در حصار زمان محدود می‌شود و نه در قلمرو مکان می‌گنجد. فراتر از محیط، وسیع‌تر از عالم و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است. تربیت ریشه در هزاران نسل پیشین انسانی دارد و سایه تأثیر آن بر تمام نسل‌های پسینی نیز ادامه خواهد داشت.

فرآیند تربیت، در اقتصاد، مدیریت، سیاست، جنگ، صلح، هنر، ادبیات، تکنولوژی، دانش‌های انسانی، روابط اجتماعی، رشد و تعالی درونی‌ترین ویژگی‌ها، خصلت‌های روحی و روانی انسان‌ها رخ می‌نماید و برآیندهای مستقیم دارد.

این فراروندگی و بی‌کرانگی تربیت، پیچیدگی در فهم حقیقت و چیستی آن را در پی آورده است، چندان که بسیاری از کارشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت از جمع‌بندی مفهوم تربیت، سویه‌های تربیت، عوامل تربیت، آثار تربیت و تجلیات تربیت عاجز آمده و به تعریف‌های سطحی و تسامح‌بار بسنده کرده‌اند.

در کتاب‌های لغت، معنای تربیت و پرورش چنین آمده است: «پروراندن، پروردن و پروریدن» (دهخدا، ۱۳۲۸) و «پروردن، پروراندن و آداب اخلاق را به کسی آموختن» (معین، ۱۳۶۲).

به اعتقاد استاد مطهری تربیت، عبارت است از به فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی که در شیء هست (مطهری، ۱۳۷۴). وی همچنین تربیت را توجه به همه ابعاد وجود انسان می‌داند و می‌نویسد: «طریقه اسلام برای تربیت، عبارت از رسیدگی همه جانبه به سرشت و فطرت نوع بشر است که همه امور را در نظر گرفته و از هیچ چیزی غفلت ننموده است و به تربیت جسم و عقل و روان انسان می‌پردازد و شامل زندگی معنوی و حیات مادی می‌شود و همه فعالیت‌های انسان را در بر می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۷۴).

استاد مطهری در تربیت اسلامی نگاه ویژه‌ای به جامعیت دین اسلام دارد و می‌نویسد:

جامعیت داشتن محتوای دین، یعنی در بر گیرنده پاسخ به نیازهای مادی و معنوی انسان است؛ زندگی‌گرایی، اجتماعی بودن، توجه به حقوق و آزادی‌های فردی، تقدم بخشیدن حق جامعه بر حق فرد، ممنوعیت استثمار، نکوهش اسراف و تبذیر، تأکید بر توسعه در زندگی، قداست دفاع از حقوق، اصلاح و مبارزه دائم با فساد، توحید، امکان همزیستی با اهل توحید، مساوات، آگاهی به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، دوری از نکوهش تفکر و جهت‌گیری نژادی، تسلیم واقعیت‌ها بودن و اسیر آنها شدن را پسندیده می‌داند (مطهری، ۱۳۸۵).

بهترین کتیرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

استاد غلامحسین شکوهی در معنای تربیت چنین می نویسد: «تربیت در لغت، به معنای نشو و نما دادن، زیاد کردن، بر کشیدن و مرغوب و قمیتی ساختن است. در این معنای اخیر، تربیت از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن باشد» (شکوهی، ۱۳۶۳).

تعلیم و تربیت انسان، کار بسیار پیچیده و دشواری است. کاری که حتی برخی از مربیان تعلیم تربیت و پیامبران نیز در آن موفق نبوده اند. شکوهی در این زمینه معتقد است: «تعلیم و تربیت آدمی، کاری پر ارج و در عین حال وقت گیر است و نتایج قطعی و نهایی آن نسبتاً دیر آشکار می شود» (شکوهی، ۱۳۶۳).

امانوئل کانت معتقد بود که تربیت، مهم ترین و دشوارترین مسئله مبتلا به انسان است. او در جایی می نویسد: در بین ابداعات بشر دو تا از بقیه مشکل تر است: هنر مملکت داری و حکومت و هنر تعلیم و تربیت (به نقل از همان). تربیت، عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعداد های انسان در جهت مطلوب (شکوهی یکتا، ۱۳۷۰).

آنچه در تعریف های ذکر شده از تربیت اهمیت دارد، آن است که اولاً تربیت، یک هنر است و کار هر کس نیست؛ ثانیاً تربیت، شکوفا کردن استعدادهای بالقوه آدمی است؛ ثالثاً تربیت، بالا بردن و باارزش ساختن انسان است.

از دیدگاه اسلام نیز تربیت معنوی، عبارت است از پرورش استعدادهای مثبت تا سر حد ممکن و ایجاد هماهنگی لازم بین آنها همراه با تضعیف استعدادهای منفی تا سر حد انهدام. به عبارت دیگر تربیت معنوی، نوع خاصی از تربیت است. این تربیت بر اساس قوانین و دستورات صورت می پذیرد که به پیامبر وحی می شود و هدف آن، رشد و تعالی انسانی است.

یکی از مهم ترین امتیازات تربیت معنوی بر تربیت غیر معنوی، داشتن ضمانت اجرایی منحصر به فردی چون ایمان به خداست. یکی از ویژگی های تربیت معنوی و اسلامی، داشتن تقوای مری و متری است. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۹۸۹ نهج البلاغه می فرماید: «تقوا برای انسان به منزله یک حصار و بارو و به منزله یک سپر است» (امامی، ۱۳۷۹).

استاد مطهری در باره ترجمه فارسی کلمه تقوا در کلام امیر مومنان (علیه السلام) می نویسد:

چیزی که نسبتاً عجیب است، ترجمه فارسی این کلمه است به پرهیزکاری. هیچ عرب زبانی در قدیم و جدید این مفهوم را از این کلمه درک نمی کند. شک نیست که در عمل، لازمه تقوا، صیانت نفس به چیزی و ترک و اجتناب از آن چیز است؛ اما نه این است که معنای تقوا همان پرهیز و ترک و اجتناب باشد. به تدریج تقوا به معنای پرهیز از محیط و موجبات گناه تلقی شده و کم کم به اینجا می رسد که کلمه تقوا در نظر عامه مردم معنای انزوا و دوری از اجتماع را می دهد و در محاورات عمومی وقتی این کلمه به گوش می رسد، یک حالت انقباض و پا پس کشیدن و عقب نشینی کردن در نظرها مجسم می شود (مطهری، ۱۳۶۰).

استاد مطهری معتقد است که تربیت دینی باید بر اساس تکوین، فطرت و خلقت انسان و دور از زور و خشونت باشد:

تربیت باید بر اساس تکوین و استفاده از مقررات دقیق و صراط باریک تکوین و خلقت باشد و به این ترتیب است که استعدادها به فعلیت می‌رسند؛ یعنی تربیت از قبیل صنعت نیست که پیراستن و آراستن و ساختن و وصل و پیوند و فصل و قطع باشد، مثل اینکه کسی از گوهری نگینی می‌سازد و از قطعات آهن و فبر و سیم و لاستیک و چوب و غیره اتومبیل می‌سازد؛ بلکه تربیت به فعلیت درآوردن استعدادی است که در موجود نامی یا حیوان یا انسان وجود دارد. فرض کنید می‌خواهید غنچه را تربیت کنید تا گل بشود، او یک صراط دارد، صراط باریک. او عوامل نرم و لطیف مخصوصی لازم دارد. با دست نسیم و شعاع نور و آب آبپاش و گرمای معتدل در حالی که شرایط زمین و خاک او درست باشد، شکفته و باز می‌شود، تربیت، شکوفا کردن است؛ لهذا اطفالی که از اول با زور و تشر و تشدید روبه‌رو می‌شوند، مانند غنچه‌هایی هستند که از اول پرپر می‌شوند؛ بلکه همیشه به حال غنچه بودن می‌مانند، یا آثار روحی و پس‌رانی‌ها و عقده‌ها در روح آنها پیدا می‌شود و بعدها به صورت جانی و شقی در می‌آیند (مطهری، ۱۳۷۰).

در تربیت معنوی و اسلامی، درک جدید از متون و منابع اسلامی باید متناسب با شرایط و نیازها و نوآوری‌ها باشد. استاد مطهری در این زمینه می‌نویسد:

خیال نکنید معانی قرآنی همانی است که عرب‌های صدر اسلام درک می‌کردند و دیگر قرآن بیش از این مطالبی ندارد؛ نه این جور نیست. قرآن که تنها برای آنها نازل نشده، قرآن برای همه بشر نازل شده، تا دامنه قیامت کسی حق ندارد قرآن را مطابق میل و هوای نفس خودش تفسیر بکند؛ ولی همه حق دارند که در قرآن تدبر کنند و تا دنیاست، افراد حق تدبر دارند و شانس موفقیت دارند که در تدبرهای خودشان به مطالب تازه‌ای برخورد بکنند که احیاناً گذشتگان آنان، در تدبرهای خویش برخورد نکرده‌اند (مطهری، ۱۳۵۸، الف).

استاد مطهری در جای دیگری در زمینه نوآوری در تربیت دینی می‌فرماید:

شما هیچ عالمی از علمای معروف - چه اسلامی چه غیر اسلامی - را پیدا نمی‌کنید که لااقل صدی هشتاد از آرا و عقایدش، منسوخ نشده باشد. خود ابن‌سینا را می‌بینید که نیمی از عقاید او کهنه شده است. دکارت منسوخ شده است. حالا به افکار او می‌خندند. شما نمی‌توانید یک فرد را پیدا کنید که کتاب او صددرصد زنده مانده باشد. می‌بینید علمای بعد، حرف‌هایی زده‌اند که حرف‌های قبلی، خود به خود منسوخ شده است. نمی‌خواستند منسوخ بکنند؛ ولی منسوخ شده است (مطهری، ۱۳۸۵).

تعریف‌های ناسازگار با نگرش دینی

شاخصه بارز این دسته از تعریف‌ها که بیشتر از منظر جامعه‌شناختی به امر تربیت نگریسته‌اند (گذشته از تفاوت‌های اندک و نیز کاستی‌هایی که درباره هر یک بر خواهیم شمرد)، به نوع انسان و جهان‌شناختی آنها برمی‌گردد که در

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

تباین با انسان شناختی دینی و قرآنی است و از همین رو، در عرصه‌های مختلف و از جمله در حوزه تربیت به فرایندهای متفاوت انجامیده است.

۱- جان استوارت میل تربیت را هر تأثیری می‌داند که آدمی در معرض آن است. تفاوت نمی‌کند آبشخور آن اثر گذاری، شیء، شخص و یا جامعه باشد. (رفیعی، ۱۳۸۸).

بر این تعریف کاستی‌هایی را می‌توان برشمرد، از جمله اینکه بسیار فراخ و گسترده دامن است، چندان که بر اساس این تعریف، کمتر چیزی را می‌توان یافت که عامل تربیت در آن دخیل نباشد. دیگر اینکه بر اساس این تعریف، روشن نیست چگونه می‌توان هدف و غایت تربیت را معلوم داشت و شناسایی کرد. سوم اینکه تربیت به این معنا، الزاماً به سود و رشد مثبت متربی نمی‌انجامد، حال آنکه رشد، تعالی، سود و نفع متربی، همواره در چشم‌انداز تربیت و مربیان قرار داشته و از لوازم تفکیک ناپذیر تربیت به حساب می‌آمده است. سرانجام اینکه بر اساس این تعریف، گذشته از آنکه از فرایند تربیت، تقدس زدایی می‌شود و منزلت مربیان فرو می‌گاهد، روح و جان مربی - آن‌گاه که عامل انسانی تربیت مورد نظر باشد- از انگیزش و پرداختن به کار تربیت تهی می‌گردد.

۲- جان دیوئی که همچون استوارت میل، نسبت به تربیت رویکردی جامعه شناختی دارد، بر آن است که تربیت، مجموعه فرایندهایی است که از راه آنها، گروه یا جامعه - چه کوچک و چه بزرگ - توانایی‌ها و خواسته‌های خود را به اعضا و نسل‌های جدید منتقل می‌کند تا بقا و رشد پیوسته خویش را تضمین کند. از دید وی، تربیت امری اجتماعی است که می‌توان آن را بازسازی پیاپی تجربه برای افزایش گستره و ژرفای محتوای اجتماعی تعامل و روابط بشری دانست. چنان‌که از نگاه او، تربیت فرایندی است که به متربی فرصت می‌دهد تا از طریق آن، روش‌های اختصاصی خود را فرا گیرد.

۳- امیل دورکیم نیز بر اساس گرایش و تخصص علمی خود، تربیت را با رویکرد جامعه شناختی ویژه خود تعریف می‌کند. او از تربیت، اجتماعی شدن انسان را می‌خواهد و دیدگاهش بر اصل «وجدان جمعی» استوار است. از نگاه وی، تربیت آن کارکردی است که در طی آن، نسل بالغ، رسیده و تربیت یافته، بر نسلی که هنوز برای زندگی به اندازه کافی پختگی نیافته است، اثر می‌گذارد و هدف از آن، برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی است. (رفیعی، ۱۳۸۸).

۴- ویلیام جیمز تربیت را صنعتی ظریف می‌شمارد که انسان را توانا می‌سازد با بهره‌گیری از اندیشه خود، اشیاء خارجی را بنا بر خواست، نیاز و هدف‌های علمی خویش به دست آورد و به گونه دلخواه در آنها تصرف کند. (رفیعی، ۱۳۸۸).

۵- پیشنهاد اتحادیه بین المللی پرورش نو (Ligue internationale d'educati nouvelle) در تعریف تربیت این است که تربیت، فراهم کردن زمینه رشد کامل توانایی‌های هر کس - در حد توان - به عنوان فرد و نیز عضو

جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است؛ تربیت از تحول اجتماعی جدا نبوده، بلکه خود یکی از نیروهای تعیین کننده آن است. (رفیعی، ۱۳۸۸).

تعریف‌های سه‌گانه اخیر هر چند که بر عامل انسانی و شعورمند تربیت پای فشرده و حوزه کوچک‌تری را در تربیت منظور کرده و نیز هدف و غایتی برای تربیت در آن لحاظ شده است، با این حال تمامی آنها از سایر کاستی‌هایی که در تعریف استوارت میل یاد کردیم، رنجور است و تعریف ویلیام جیمز، افزون بر کاستی‌های مشترکی که با دو تعریف دیگر دارد، هدف تربیت را بیرون از جسم و جان متری سرخ گرفته و نیز تنها جنبه مادی بدان بخشیده است.

مؤلفه‌های تربیت

برآیند آنچه تاکنون آوردیم، آن است که تربیت در نگرش قرآنی از مؤلفه‌های چندگانه سامان یافته است. به دیگر سخن، چهار عنصر در مفهوم تربیت نهفته است:

۱. تقدس و بزرگداشت مربی و کار تربیت.

۲. رشد و کمال یابی تربیت شونده.

۳. رحمت و مهرورزی مربی نسبت به مربوب و تربیت شونده.

۴. حق مربی بر تربیت شونده.

بدین ترتیب و با در نظرداشت تمامی آیات شریفه‌ای که از تربیت سخن گفته و یا واژه تربیت در آنها به کار رفته است، می‌توان در مفهوم و چیستی تربیت از منظر قرآن گفت:

تربیت یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعدادهای انسانی و نیز رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی، همراه با تلاش و دلسوزی تربیت کننده، به گونه‌ای که متری به اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد.

مبانی تربیت

نخستین موضوعی که در تمامی اندیشه‌ها و مکتب‌های تربیتی می‌باید بحث و بررسی شود، مبانی تربیتی در آن مکتب است تا نتایج و راه‌آورد‌های آن برای استفاده در تعلیم و تربیت و راهبردهای تربیتی ارائه گردد.

مبانی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها گفته می‌شود که زیر ساخت‌های اعتقادی، فلسفی و نوع شناخت هر مکتب از مبدأ هستی، جهان و انسان را سامان می‌دهد و اهداف، خط مشی و شیوه‌های عملی در هر زمینه و عرصه‌ای بر اساس آن مبانی بنیان نهاده می‌شود.

در این میان، آن‌گاه که سخن بر سر تربیت انسان باشد، انسان شناختی و نوع نگاه هر مکتب به حقیقت انسان، پایه‌ها و اساس تعلیم و تربیت در آن مکتب را بنا می‌کند. نظام تعلیم و تربیت و هرگونه برنامه‌ریزی سامان‌مند و کارآمد، جز بر بنیادهای شناخت آن مکتب از حقیقت انسان میسر نیست؛ از این روی است که می‌باید پیش از هر اقدام و سخنی در چند و چون تربیت دینی و قرآنی، نگاه هر چند گذرا به مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، حقیقت انسان، ویژگی‌ها و استعدادهایش از منظر دیانت اسلامی و نگرش قرآنی بیفکنیم.

مبانی تربیت اسلامی

مبانی تربیت انسان از منظر قرآن و دیانت اسلامی از دو بخش هستی شناختی و انسان شناختی سامان می‌یابد.

الف) مبانی هستی شناختی

۱- مبدأ و غایت یگانه آفرینش

سنگ بنای جهان‌بینی اسلامی، توحید در مبدأ و غایت است؛ بدین معنا که در این بینش، عالم و تمامی پدیدارهای هستی، آغاز و فرجام یگانه دارد. آفریدگار یگانه هستی، همان‌سان که خالق و آغازگر آفرینش است، مقصد و هدف نهایی پدیدارها نیز به شمار می‌رود. از همین رو و بر اساس این قاعده عقلانی که هر موجود دارای هدف، به هر اندازه‌ای که به هدف و غایت خویش نزدیک می‌شود، از کامیابی، سعادت و فلاح بیشتر برخوردار می‌گردد، مقیاس و معیار کمال هر موجود و پدیده‌ای از پدیدارهای هستی، میزان تقرب و نزدیکی او به غایت و مقصد نهایی است. علامه اقبال لاهوری تبلور باور توحیدی در تربیت فردی و اجتماعی انسان‌ها را چنین ترسیم می‌کند:

رنگ او بر کن مثال او شوی ** در جهان عکس مثال او شوی

آن که نام تو مسلمان کرده است ** از دویی سوی یکی آورده است

خویشتن را ترک و افغان خوانده‌ای ** وای بر تو آنچه بودی مانده‌ای

با یکی ساز از دویی بردار دست ** وحدت خود را مگردان لخت لخت

۲- هدف جوئی پدیدارها

مجموعه پدیدارهای جهان هستی، خود به خود در مسیر و به سمت هدف و مقصد نهایی خویش در حرکت‌اند؛

(أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (شوری/۵۳)

(وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ) (مائده/۱۸)

در این میان تنها انسان چون دارای اراده و اختیار است، می‌تواند در مسیر حرکت به سمت مقصد و هدف غایی آفرینش که برآورنده سعادت و فلاح اوست، گام بردارد و یا هدف و غایتی جز آن برای خود برگزیند؛

(وَأَمَّا تُمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى) (فصلت/۱۷)

«اما تمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند!»

از این روست که در هدف‌جویی و کمال و سعادت آدمی، پای تربیت و راهنمایی اراده، استعدادها و تمایلات انسان‌ها به میان می‌آید و فرآیند تربیت اخلاقی، معنوی، روحی و روانی و حتی جسمی و بدنی، در تجلی کمالات انسانی نقش بنیادین به خود می‌گیرد.

۳- پیوند بعثت و تربیت

بر اساس نگاه و نظر پیش گفته است که بعثت انبیای الهی خردپذیر بلکه ضرورت و توجیه عقلانی می‌یابد؛ چرا که فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی جز این نبوده است که بشریت را در مسیر تکامل، هدف‌جویی و سعادت و خوشبختی، تربیت، هدایت و همراهی کنند و با آموزه‌ها و آداب شریعت، ره توشه کمالات را در اختیار او نهاده او را از انحراف و کژروی باز دارند. آن گونه که آخرین فرستاده الهی فرمود: «انی بعثت لأتمم مکارم الا خلاق» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲). بدین‌سان، مبدأ، معاد و نبوت شالوده‌ها و راهکارهای نخستین هستی شناختی در تربیت اسلامی به شمار می‌روند و در عین حال، ترسیم‌کننده سمت و سوی تربیت دینی و بیانگر این واقعیت‌اند که استمرار و تداوم تربیت انسان‌ها، هرگاه بر پایه همین شالوده‌ها صورت پذیرد، او را به سر منزل مقصود و آراسته‌گشتن به آرایه‌های تربیت مطلوب دینی و قرآنی می‌رساند.

(د) پیش فرض ها

به نظر می‌رسد که نظام آموزشی ایران در راه تربیت معنوی و اسلامی نوجوانان و جوانان، با آسیب‌ها و موانعی رو به روست که رفع آنها، تعمیق تربیت دینی را در نظام آموزشی آسان خواهد کرد؛ موانعی که مربوط به روش‌ها، برنامه‌ها و طرح‌هاست. رفع این آسیب‌ها، تنها با شناخت کامل آنها میسر خواهد بود؛ بنابراین ضروری است که تربیت معنوی در نظام آموزشی ایران بررسی، و آسیب‌های موجود شناخته شود.

روش انجام کار

روش مورد استفاده در این تحقیق نیز، روش توصیفی از نوع کتابخانه ای است. برای پاتولوژی تربیت معنوی در نظام آموزشی ایران و در پاسخ به این پرسش که «نظام آموزشی ایران چه مشکلاتی در راه تربیت دینی پیش رو دارد»، مقالات و کتاب ها به صورت توصیفی مطالعه شد؛ همچنین به وسیله مشاوره با صاحب نظران و اندیشه در باره آنها، آسیب های بارز تربیت دینی در نظام آموزشی ایران به دست آمد؛ سپس مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ آن گاه راهکارهایی شناسایی شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پیشنهادات لازم ارائه شد.

آسیب های تربیت معنوی در نظام آموزشی ایران

در راه تعمیق تربیت معنوی در نوجوانان و جوانان آسیب هایی وجود دارد؛ آسیب هایی که در فرهنگ، طرز تفکر و ساختار نظام آموزشی ریشه دوانده است. آگاهی از این آسیب ها به ما کمک می کند در صدد چاره جویی و یافتن راهکارهایی برای رفع آنها باشیم. در این قسمت پس از بیان هر کدام از آسیب های تعمیق تربیت دینی در نظام آموزشی، راهکارهای لازم ارائه شده است. برخی از مهم ترین آسیب های تربیت معنوی در نظام آموزشی عبارت اند از:

۱. جدا کردن تعلیم از تربیت

مفهوم واژه تعلیم یا آموزش و تربیت و یا پرورش که ما همواره به صورت دو واژه مستقل به کار می بریم، آن چنان استقلال معنایی ندارند:

تعلیم یا آموزش، در حقیقت کوششی است که معلم برای انتقال معلوماتی خاص به شاگردان خود به کار می برد و منظور، ارائه معلومات نظری و علمی است که در موقع تدریس از جانب معلم به شاگردان انتقال می یابد و مقطعی است و مداوم نیست. اما تربیت یا پرورش، فرایند پیچیده ای از نظر و عمل است که به طور دقیق قابل توصیف نیست.

شکوهی یکتا در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی در تعریف تربیت می نویسد: «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعداد های انسان در جهت مطلوب» (شکوهی یکتا، ۱۳۷۰). طبق این تعریف، تربیت امری مداوم است و تعلیم، بخشی از آن شمرده می شود.

به نظر ابراهیم زاده، واژه تعلیم و تربیت، هر دو مصدر متعدی عربی اند؛ یعنی تعلیم، مستلزم وجود معلم و متعلم، و تربیت، مستلزم وجود مربی و متربی است، اما این موضوع نباید این تصور را پیش بیاورد که «تعلیم» و «تربیت» همیشه با وجود دو نفر می تواند انجام بگیرد (ابراهیم زاده، ۱۳۷۰). به عبارت دیگر، از آنجا که تعلیم جزیی از فرایند تربیت است، نمی توان پنداشت که معلم و مربی، دو وظیفه یا دو شغل جدا از یکدیگرند. در صورتی که یک مربی خوب، معلم هم هست و یک معلم خوب، مربی هم می تواند باشد و این ها هر دو، دو روی یک سکه اند و نمی توان آنها را جدای از هم و به صورت مستقل تفکیک کرد.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سرچشمه این جدایی و دوگانگی، واژه مرکب «تعلیم و تربیت» یا «آموزش و پرورش» است. ابراهیم زاده در این زمینه می نویسد:

این واژه مرکب در زبان فارسی تاریخچه طولانی ندارد و احتمالاً از آغاز قرن اخیر فراتر نمی رود. به نظر می رسد پس از توجه به فرهنگ غربی در کشور ما و رواج ترجمه آثار تربیتی آنها، چنین واژه ای در ترجمه کلمه «Education» جعل شده است. شاید با این استدلال که نه کلمه تعلیم و نه کلمه تربیت به تنهایی مفهوم واژه فوق را بیان نمی کند، تصور نارسایی کلمات فوق به این دلیل در مترجمان پیدا شده است که به زعم آنها هم کلمه تعلیم و هم کلمه تربیت در مورد غیر انسان هم به کار می روند (پرورش گیاه، تعلیم حیوانات، تربیت اسب و...)؛ در صورتی که در زبان های اروپایی کلمه «Education» در مورد غیر انسان به کار نمی رود. به این ترتیب تصور شده است که با ساختن واژه مرکب «تعلیم و تربیت» یا «آموزش و پرورش» مشکل، حل و جامعیتی را که واژه فوق در زبان های اروپایی دارد، بیان می شود (ابراهیم زاده، ۱۳۷۰).

در صورتی که کاربرد واژه مرکب «تعلیم و تربیت» نه تنها اشکالی را برطرف نمی سازد، بلکه توهم و دوگانگی وجودی انسان را نیز پدید می آورد و باعث تقسیم فعالیت های تربیتی به «آموزش» و «پرورش» می شود و اشکالات عمده ای را در تربیت انسان ها باعث می گردد. تقسیم مواد و موضوعات درسی به دو گروه مربوط به آموزش و مربوط به پرورش، تقسیم معلمان به دو گروه معلم برای آموزش و مربی برای پرورش، از جمله این اشکالات است؛ در صورتی که تربیت یک فرایند واحد است که با تمام ابعاد وجودی انسان به صورت یک کل سروکار دارد و هیچ تربیتی نیست که بعد شناختی نداشته باشد و در نتیجه تعلیم را شامل نشود (ابراهیم زاده، ۱۳۷۰).

بنابراین یکی از ادله توفیق نیافتن ما در تعمیق تربیت دینی آن است که در نظام آموزشی، تعلیم را از تربیت جدا کرده ایم. معلم فیزیک و ادبیات، محتوای کتاب های درسی خود را آموزش می دهند و مربی پرورشی نیز وظیفه تربیت را بر عهده دارد؛ در صورتی که کار همه اعضای یک موسسه آموزشی، تربیت است؛ بلکه همه معلمان - به نظر نگارنده حتی خدمتگزار مدرسه نیز - در وظیفه خطیر تربیت سهم دارند و باید مواظب اعمال، رفتار و گفتار خود باشند؛ زیرا تربیت، یک کار گروهی است و همه اعضای یک موسسه آموزشی در آن مسئولیت دارند. فراموش نکرده ایم خدمتگزاران مدرسه زمان تحصیل خود را که به صورت فوق برنامه برایمان کلاس آموزش قرآن، نماز و احکام دینی دایر می کردند و با چه علاقه ای در آن کلاس ها شرکت می کردیم!

بنابراین اگر همه معلمان در نظام آموزشی وظیفه تربیت را در کنار تعلیم داشته باشند، باید معلم فیزیک هم در کنار دیگر معلمان در تربیت دانش آموزان بکوشد. در این صورت است که تربیت در معنای واقعی اش محقق خواهد شد و در تعمیق تربیت دینی دانش آموزان، موفق خواهیم بود؛ زیرا «معلم، فقط آموزگار نیست؛ بلکه مهم تر از آن یک مربی و یک الگوی با نفوذ است» (امینی، ۱۳۷۱).

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

استاد مطهری تربیت علمی محض را در سازمان های آموزشی کافی نمی داند و می نویسد: «تربیت علمی محض، شاید در ساختن انسان، توانا و قدرتمند باشد؛ اما انسان با فضیلت نمی سازد. انسان ساخته تربیت علمی محض، تک ساختی است و انسان تک ساختی، انسان به دور از فطرت آفرینش خود و جهان هستی است» (مطهری، ۱۳۶۹).

«وظیفه معلم به امر تدریس و آموزش محدود نمی شود، بلکه معلم مسئول تربیت روح و روان و عقل و فکر شاگردان خود است» (حسینی، ۱۳۷۰).

در تحقیقی فراگیران سفارش های معلمان و استادان غیر دینی را در مورد مسائل دینی در گرایش به دین موثر دانسته اند؛ حتی این توصیه ها در تقویت انگیزه آنها موثر بوده است. این نکته باید در گردهمایی ها و جلسات در اختیار استادان محترم قرار گیرد تا از اهمیت موضوع آگاه شوند (سادئی، ۱۳۷۵).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه حکمت ۳۳۱ می فرماید: علم دو نوع است: یکی علم شنیده شده؛ یعنی فراگرفته شده از خارج (علم مسموع) و دیگری علم مطبوع؛ یعنی آن علمی که از سرشت انسان سرچشمه می گیرد. علم مسموع اگر همراه با علم مطبوع نباشد، فایده ندارد (امامی، ۱۳۷۹).

استاد مطهری در کتاب تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام در باره شکوفا شدن علم مطبوع می فرماید: «افرادی هستند که اصلاً علم مطبوع ندارند، منشا آن هم اغلب سوء تعلیم و تربیت است نه اینکه استعدادش را نداشته اند، تربیت و تعلیم جوری نبوده که آن نیروی مطبوع او را به حرکت درآورد و پرورش دهد» (مطهری، ۱۳۷۴).

۲. تقبیح پرسشگر و رواج اندیشیدن تبعدی

یکی دیگر از آسیب های تربیت دینی در نظام آموزشی، تقبیح پرسشگری و رواج اندیشیدن تبعدی است که در نظام فکری و فرهنگی گذشته ما ریشه دارد. نوجوان و جوان کنجکاو است و پرسش هایی دارد که باید پاسخ داده شود. اگر نتوانیم به پرسش های او پاسخ دهیم، چگونه خواهیم توانست او را جذب کنیم و چگونه تربیت دینی در این زمینه موفق خواهد بود؟ استاد مطهری در این زمینه می فرماید: در گذشته درها به روی مردم بسته بود، سهل است؛ پنجره ها هم بسته بود، کسی از بیرون خبر نداشت. در مملکت خود از مملکت دیگر خبر نداشت. امروز این درها و پنجره ها باز شد، دنیا را می بیند که رو به پیشرفت است، دموکراسی های دنیا را می بیند، برابری ها را می بیند، می گوید چرا ما باید عقب مانده تر باشیم؟... طبیعی است وقتی فکر کمی بالا آمد، پرسش هایی برایش طرح می شود که قبلاً نبود؛ باید شک و تردیدش را رفع کرد و به سوالات و احتیاجات فکری اش پاسخ گفت (مطهری، ۱۳۶۰).

از این دیدگاه بزرگ ترین آفت تربیت دینی، استقبال نکردن از جو پرسشگری جوانان و نوجوانان و عدم ارائه پاسخ های قانع کننده متناسب با زمان به آنهاست. از طرف دیگر جوان و نوجوان، نیازمند ایمانی است که به او شخصیت بدهد. اشتباه نابخشودنی ما در روش های تربیت دینی از آنجا آغاز می شود که ما پیش از اینکه لذت دین داری را به جوان نشان دهیم و روح معصوم او را با رایحه ایمان بنوازیم، می کوشیم اصول و قواعد دینی را تلقین کنیم. به

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

عبارت دیگر، در تربیت دینی نخست باید عشق را در جوان ایجاد کرد؛ سپس از او انتظار عشق ورزی داشته باشیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اول قلب ها را شیفته کرد؛ زیرا دل که تسلیم شد، گوش و دست و پا هم تسلیم می شود. استاد مطهری در این باره می نویسد:

پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردم عرب چه داد؟ و اساساً یک آدم فقیر که تمام قوم و قبیله اش با او دشمن هستند، چه داشت که به آنها بدهد؟ و چطور شد که آنها را از حضيض پستی به اوج عزت می رساند؟ ایمانی به آنها داد که آن ایمان به آنها شخصیت داد... این احساس در او پیدا شد که من باید دنیا را از اسارت و از پرستش اطاعت غیر خدا نجات بدهم و هیچ اهمیت نمی داد که اعتراف بکنند که در گذشته چطور بوده است و حتی افتخار می کرد که بگویند من در گذشته، پست بودم، آن طور فکر می کردم، هیچ سابقه درخشانی ندارم؛ ولی امروز این طور فکر می کنم. من طرف دار عدالتم، طرف دار حق و احسانم، طرف دار فضیلتم؛ به این می گویند شخصیت ... (مطهری، ۱۳۷۶).

رمز کامیابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) در سیره فوق العاده آنهاست. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از صمیم قلب به امت خویش عشق می ورزید و برای نجات آنها از چنگال شوم شرک، خرافه، ظلم و جهل، مخلصانه می کوشید. امام حسین (علیه السلام) در کربلا با اینکه می دانست تا ساعاتی دیگر به دست همین مردم به شهادت می رسد. باز هم دست از خیرخواهی برنداشت. استاد مطهری در این باره می گوید:

امام حسین (علیه السلام) در همان صحنه کربلا در میان دشمنان خویش، یک خیرخواه، یک واعظ و یک اندرزگوست که حتی از سرنوشت شوم دشمنان خودش ناراحت است، چرا باید به جهنم بروند، چرا این قدر بدبختند... در همان روز عاشورا و غیر عاشورا چه اندرزا به مردم داده است. اصحابش چقدر اندرز داده اند. وجود مبارک اباعبدالله (علیه السلام) از بدبختی این ها متأثر بود، نمی خواست حتی یک نفرشان به این حال بماند، با مردم لج نمی کرد؛ بلکه به هر زبانی بود، می خواست یک نفر از آنها کم شود. او نمونه جدش پیامبر بود؛ یعنی بدبختی بر او گران بود. این بدبختی ها بر اباعبدالله (علیه السلام) هم گران بود. در صحنه کربلا یک دفعه سوار شتر می شود و می رود، باز می گردد و عمامه پیامبر را به سر می گذارد. لباس پیامبر را می پوشد، سوار اسب می شود به سوی آنها می رود تا بلکه بتواند از این گروه شقاوت کار، کسی را کم کند، حسین (علیه السلام) یک پارچه محبت است و دوستی که حتی دشمن خودش را هم واقعاً دوست دارد (مطهری، ۱۳۷۶).

۳. جمودگرایی و مطلق تلقی کردن روش ها در تربیت دینی

جمودگرایی و مطلق تلقی کردن روش ها، یکی از آسیب های تربیت معنوی است. این پدیده که ارتباط زیادی با تقبیح پرسشگری دارد، از طرز تفکر سنتی برخی از استادان ما در تدریس سرچشمه می گیرد. تنوع و تکامل روش

های تربیتی، محصولات فکر بشرند و نقدپذیر. تعمیم روش های سنتی برای همه دوره ها در تربیت دینی، اشتباهی بزرگ است. استاد مطهری در این زمینه می نویسد:

یک چیز در یک جا وسیله هدایت است و بسا هدایت همان چیز در جای دیگر، وسیله گمراهی و ضلالت باشد. منطقی که یک پیروز را مومن می کند، اگر در مورد یک آدم تحصیل کرده به کار برده شود، او را گمراه می کند؛ یک کتاب در یک زمان متناسب ذوق عصر و ذوق زمان و سطح فکر زمان بود و وسیله هدایت مردم بوده است و همان کتاب در زمان دیگر، اسباب گمراهی است (مطهری، ۱۳۶۰).

استاد مطهری در جای دیگر استفاده از مظاهر علوم و تمدن جدید را در تربیت دینی لازم می داند و می نویسد:

اسلام هرگز به شکل و صورت ظاهر زندگی نپرداخته است و تعالیم اسلام، همه متوجه روح و معنا و راهی است که بشر را به آن هدف ها و معانی می رساند. اسلام هدف ها و معانی و ارائه طریق رسیدن به آن هدف ها و معانی را در قلمرو خود گرفته و بشر را در غیر این امر آزاد گذاشته است و به این وسیله از هر گونه تصادفی با توسعه و تمدن و فرهنگ پرهیز کرده است. در اسلام یک وسیله مادی و یک شکل ظاهری نمی توان یافت که جنبه تقدس داشته باشد و مسلمان وظیفه خود بداند که آن شکل و ظاهر را حفظ کند؛ از این رو پرهیز از تصادم با مظاهر توسعه علم و تمدن، یکی از جهاتی است که کار انطباق این دین را با مقتضیات زمان آسان کرده است (مطهری، ۱۳۵۸، ب).

۴. تضاد ارزشها بین خانواده و مدرسه

یکی از آسیب های تربیت دینی، تضاد ارزش های بین خانواده و مدرسه است. سرچشمه این ناهماهنگی، اختلاف ارزش های اجتماعی و خانوادگی است که البته تهاجم فرهنگی دشمن به آن دامن می زند. اغلب خانواده ها به دلایل مختلف - به ویژه اشتغال - فرصت توجه به فرزندان و تربیت آنان را ندارند. علاوه بر این آنچه این بی توجهی را دوچندان می کند، ناهماهنگی بین خانواده و مدرسه در مورد مسائل تربیتی است. در زمینه مسائل تربیتی نوجوانان و جوانان، مدرسه و خانواده باید هماهنگی و همکاری زیادی داشته باشند و نواقص همدیگر را در این خصوص برطرف کنند. جدایی و تضاد نظام ارزشی خانواده از نظام ارزشی مدرسه علاوه بر اینکه زحمات دست اندرکاران تربیت را در نظام آموزشی به هدر می دهد، مطمئناً به تعمیق تربیت دینی در دانش آموزان نیز نخواهد انجامید.

شاگرد به آنچه معلمش خوب بداند، ارج می نهد و آنچه را او بی ارزش می شمارد، بد و زشت می انگارد. او معلم را محور تمام ارزش های انسانی و اجتماعی می داند؛ بنابراین شاگرد حتی گاه ضد ارزش های وجود معلم را نیز ممکن است ارزش پندارد. در این هنگام ممکن است دچار تعارض و تردید شود؛ زیرا بین آنچه قبلاً از والدین آموخته و آنچه اکنون می بیند، اختلاف است. او نمی خواهد بپذیرد که معلمش ممکن است اشتباه کند، در این صورت احتمال می رود نسبت به ارزش هایی که آموخته بی اعتماد شود یا سرگردانی و تعارض در او باقی بماند (حسینی، ۱۳۷۰).

بنابراین ضرورت دارد با کارهای فرهنگی کوتاه مدت و بلند مدت، فرهنگ هماهنگ بین خانواده و مدرسه را در جامعه برای از بین بردن تضادهای بین آنها تقویت کرد.

۵. استفاده نکردن معلمان از روش های تدریس فعال

یکی از اشکالات اساسی نظام آموزشی ما، جنبه القایی آموزش است؛ یعنی آموزش بر اساس کتاب و به شکل حفظ مطالب برای گرفتن نمره. برای رفع اشکالات مطرح شده باید شیوه آموزش از جنبه ذهنی خارج شود و با تغییرات و تحولات اساسی، آموزش جدیدی را در پرورش اخلاقی و دینی آغاز کرد. علاوه بر این مسئله ای که به این موضوع دامن می زند، روش تدریس معلمان به صورت سخنرانی است. کاربرد این شیوه، یکی از آسیب های تعمیق تربیت دینی در نظام آموزشی است. این شیوه کمترین کارایی را در آموزش داشته و در درک مفاهیم اخلاقی و دینی به دانشجو کمک چندانی نمی کند. امروزه در تعلیم و تربیت، آموزش معلم محور جای خود را به آموزش شاگرد محور داده است و طبیعتاً روش های فعال تدریس که مستلزم فعالیت دانش آموز است، جایگزین روش های سنتی تدریس و روش های غیر فعال شده است.

امروزه در تدریس، روش های مستقیم آموزش کارایی ندارد و روش های غیر مستقیم به یادگیری های عمیق می انجامد. «یادگیری غیر مستقیم و ضمنی یا مشاهده ای، پایدارترین و موثرترین نوع یادگیری است» (عطاری، ۱۳۷۸).

جان دیویی (۳) برای تربیت اخلاقی همان شیوه تجربی و شرکت فعال فراگیر را پیشنهاد می کند و می گوید: فراگیر باید با موقعیت های عینی روبه رو شود تا بتواند تجربه کسب کند (عطاری، ۱۳۷۸).

به هر حال مسلم است که دانش آموزان اگر به جای حفظ مطالب با مسائل سروکار داشته باشد و آنها را لمس کند، از تاثیر قابل توجهی برخوردار می شود. برای رفع این آسیب تربیت دینی، ضروری است که معلمان دین و زندگی در کنار دیگر معلمان به روش های تدریس فعال روی آورند. در اینجا به برخی از مهم ترین روش های تدریس فعال اشاره می شود که در درس های دین و زندگی کاربرد زیادی دارد و از روش های تربیت قرآنی و اسلامی است.

الف) روش حل مسئله

دادن پاسخ مسائل به دانش آموزان، هدف شایسته ای برای یک نظام آموزشی نیست؛ بلکه باید خود دانش آموزان را با مسئله درگیر کرد تا خودشان در باره راه حل های احتمالی بیندیشند؛ زیرا دانش آموز، یک جست و جو گر طبیعی است و وظیفه معلم، پروردن روح جست و جو در اوست؛ مثلاً دانش آموز به معلم می گوید: از چه کسی باید تقلید کنیم؟ (برخورد با مسئله) معلم پاسخ می دهد: می توان با مطالعه مسائل ۱ تا ۱۷ رساله عملیه به پاسخ دست یافت. معلم با توضیح اهمیت پاسخ این سوال، انگیزه تحقیق را در دانش آموز بر می انگیزد.

اگر دانش آموز فرصت درگیری با مسئله را بیابد، یک باره با درخشش جرقه ای در ذهن خویش، راه حل مناسب یا پاسخ مسئله را کشف می کند، فرایند اکتشاف راه حل مسئله را برونر (۴) شهود می داند و معتقد است که شهود، برانگیزنده ترین حالت برای دانش آموز است.

(ب) دعا و نیایش

یکی از روش های تربیت دینی، دعا و نیایش است. استاد مطهری در این باره می نویسد:

دعا هم طلب است هم مطلوب، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است هم نتیجه، اولیای خدا هیچ چیز را به اندازه دعا خوش نداشتند، هم خواهش ها و آرزوهای دل خود را با محبوب واقعی در میان می گذاشتند و بیش از آن اندازه که به مطلوب های خود اهمیت دهند، به خود طلب و راز و نیاز اهمیت می دادند (مطهری، ۱۳۵۸).

دعا غیر از آنکه درد دلی عاشقانه با معبود است که آرامش درونی را در پی دارد، وسیله ای تربیتی است و مطالبه آن چیزی است که با لیاقت، کار و اندیشه حاصل می شود.

(ج) سبک محاکمه ی عقلی

یکی از سبک هایی که قرآن کریم را ممتاز قرار می دهد، سبک محاکمه عقلی است در رهبری انسان به سوی حق و خیر. قرآن کریم انسان را وادار می کند تا عقل و منطق و روش صحیح تمیز بین حق و باطل را با حجت و دلیل و مشاهده حسی به کار برد و در این راه اجبار و تقلید کورکورانه پسندیده نیست (جمالی، ۱۳۶۰).

در قرآن کریم آمده است؛ «این رسول ما، خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه حق دعوت کن». (نحل، ۱۲۵).

یک نمونه از محاکمات عقلانی در قرآن کریم استدلالی است که به زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بیان شده. هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) همه بت ها را در هم می شکند و بت بزرگ را به همن حال می گذارد، از او راجع به شکستن بت ها می پرسند؛ پاسخ می دهد که از بت بزرگ بپرسید، او باید به شما پاسخ دهد. پس از آنکه طرف مقابل احساس می کند که بت حرف نمی زند، حضرت ابراهیم (علیه السلام) دلیل را به آنان عرضه می کند و می گوید: چگونه چیزی را عبادت می کنید که نمی شنود و عقل ندارد؟ (نحل، ۱۲۵).

معلمان درس های دین و زندگی می توانند برای تعمیق تربیت دینی دانش آموزان از این روش که آنان را به تفکر وامی دارد و به وسیله عقل اشتباهات را به محاکمه می کشد، نهایت استفاده را ببرند.

(د) روش پرسش و پاسخ مبتنی بر تفکر

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

یکی از شیوه های تربیت قرآنی، شیوه پاسخ گویی است. در این روش گوینده، مطالبی را از مخاطب می پرسد و از او می خواهد تا خودش به حقیقت راه یابد. این طریقه، از روش های تازه ای است که در تدریس معمول شده است؛ اما قرآن کریم این سبک را به شکلی بسیار زیبا در عین حال اقناع کننده و معجزه آسا به کار می برد (نحل، ۱۲۵).

در قرآن کریم آمده است: *الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی اَللّٰهُ خَیْرًا اَمَّا یُشْرِکُوْنَ*؛ (نمل، ۵۹) «ای رسول، بگو ستایش مخصوص خداست و سلام خاص بر بندگان برگزیده خدا. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک خدا می شمارید»؟

این نوع پرسش که دانش آموز را به تفکر وا می دارد و پرسش تأکیدی نام دارد، در تعمیق تربیت دینی اهمیت والایی دارد و بر معلمان این رشته است که بدان توجه کافی داشته باشند.

ه) روش داستان سرایی

یکی از سبک های تربیتی معروف، سبک داستان سرایی است. همه می دانند هنگامی که داستان در قالب عاطفی موثری قرار گیرد، در روح انسان تاثیر خواهد داشت و داستانی که مفهوم و هدف اخلاقی مهیجی داشته باشد، در اعماق نفس انسان تاثیر می گذارد.

باری، داستان خوب، خواننده یا شنونده را به خیرخواهی و نیکوکاری متمایل می سازد و در او نفوذ می کند. در قرآن نوعی داستان های تربیتی به چشم می خورد که از لحاظ اهمیت در روابط اخلاقی و انسانی و علاقه های روحی مقام خاصی دارند؛ علاوه بر اینکه این داستان ها با سبک زیبا و بلاغت معنا همراه است .

معلمان با استفاده از داستان های دینی در بیان مطالب نظری در دانش آموزان ایجاد انگیزه می کنند و بدین ترتیب بهتر می توانند در آنها نفوذ کنند و نهایتاً این روش، یکی از راه های تعمیق تربیت دینی است.

و) آموزش به وسیله عمل

آموزش به وسیله عمل یا شیوه فعال در تربیت، آخرین وسیله ای است که تربیت جدید به آن فرامی خواند و روان شناسی جدید نیز به آن استناد می کند: زیرا شکل گیری اخلاق و روحیات انسان و بنای روابط اجتماعی او، فقط با موعظه انجام نمی پذیرد؛ بلکه نیازمند اعمالی است که انسان باید به وسیله تمرین بدان دست یابد تا اخلاق او صورت عمل به خود بگیرد.

ز) گردش علمی

شرکت دانش آموزان در اردوهای علمی- تفریحی و زیارتی - سیاحتی و الگوپذیری از برنامه های آن در ترغیب نوجوانان به مسائل دینی تاثیر بسزا دارد. لازم است از این ابزار موثر بهره بیشتری گرفت و دانش آموزانی را که

تمایل کمتری به مسائل دینی دارند، شناسایی کرد و در این گونه اردوها شرکت داد تا بدین وسیله از این ابزار به صورت کاربردی جهت تشویق دانش آموزان به مسائل دینی به نحو مطلوب بهره جست. در برگزاری این اردوها، وسواس و دقت نظر در انتخاب مسئولان، مربیان و عوامل اجرایی اردو ضرورت بیشتری دارد و باید از افرادی بهره گرفت که رفتار و گفتارشان جنبه الگویی داشته باشد؛ زیرا از آنجایی که اردو به خودی خود برای دانش آموزان جذاب و خوشایند است؛ اگر در طول این برنامه، آنها با مربیانی در ارتباط باشند که دارای منش الگویی هستند، نقشی بسزا در اخلاق و رفتارهای مذهبی آنان خواهد داشت و در تعمیق تربیت دینی آنها تاثیر زیادی خواهد داشت.

ح) بهره گیری از فناوری آموزشی

معلمان درس های دین و زندگی اگر در تدریس خود، فناوری های آموزشی از قبیل فیلم، اسلاید و... را به کار گیرند، علاوه بر ایجاد انگیزه در دانش آموزان نسبت به دروس دینی، در تعمیق تربیت دینی آنها نیز کوشیده اند؛ زیرا به تجربه و تحقیق ثابت شده است که استفاده از وسایل سمعی در یادگیری عمیق فراگیران تاثیر بسزایی دارد.

نوجوان و جوان به دنبال زیبایی و جذابیت است و به هر چیزی که برای وی زیباتر و جذاب تر جلوه کند، بیشتر متمایل خواهد شد. به همین جهت باید با بهره گیری از پوستره های تربیتی جذاب و متنوع و برگزاری مراسم دینی در مدارس به صورت جذاب و شوق برانگیز و دیگر ابزارهای تبلیغی در این جهت کوشید (سادئی، ۱۳۷۵).

نکته دیگری که از ویژگی های تربیت دینی و اخلاقی به شمار می آید، این است که در همه مراحل تربیت باید شخصیت مربی حفظ شود. اولیا و مربیان باید توجه داشته باشند که فراهم آوردن هر نوع دگرگونی در نوجوان و جوان هنگامی تحقق می یابد که شخصیت و حرمت وی محفوظ بماند؛ وگرنه با پدید آمدن کمترین تضادی با حرمت و شخصیت مرتبی، هر نوع سازندگی و تربیت امکان پذیر نخواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: نصحک فی الملاء تفرئع؛ «هر کس بخواهد فردی را در جمع نصیحت کند، راهنمایی او به سرزنش تبدیل خواهد شد». بر این اساس پدران و مادران و مربیان باید در تربیت و سازندگی نوجوانان مراقب باشند که مبدا حرمت و شخصیت آنها لطمه ببیند (کبیرزاده، ۱۳۸۰).

یکی از مشکلات اساسی تربیت در عصر حاضر، کمبود یا نبود الگوها یا ناتوانی در الگوسازی و الگوشناسی است. به جای آنکه الگوها را به صورت مبهم و دست نیافتنی جلوه دهیم، به آنها معنا ببخشیم و آنها را معرفی کنیم. روان شناسان معتقدند در دنیای متلاطم امروزی تبلیغات چی های آشنا با رموز روان شناسی چنین نتیجه می گیرند که جوانان معنویت ندارند و باید به آنان آرمان فروخت و بدین ترتیب فروش آرمان رایج می شود و گرگ ها در لباس میش درمی آیند و به نام دوست سخن می گویند. نوجوان و جوان نمی داند که فریبش می دهند و آرمان نادرست به او می فروشند و وانمود می کنند که خودش برگزیده است. الگوهایی که امروز به نوجوان و جوان عرضه می شود، باید غنی و سرشار و متناسب با فرهنگ غالب جامعه باشد. اگر نوجوان و جوان احساس کند که مطابق با زمانه اش نیست و نمی تواند هم پای همگان در مطالب مورد علاقه آنان شرکت کند، برای او مشکل آفرین خواهد بود و او را

نسبت به خود بی اعتماد می سازد. وظیفه مربیان تربیت دینی و خانواده ها این است که انگیزه لازم برای استفاده از الگوهای مناسب و کمک گرفتن از تفکر و تعقل را به او بدهند (خنیفر، ۱۳۷۹).

بعد دیگر در نقش الگویی معلم، تکریم شخصیت دانش آموزان در تربیت دینی است. خنیفر در این زمینه می نویسد: روان شناسان معتقدند که حتی در تربیت خانوادگی و اجتماعی، رفتار اهانت آمیز و مغایر با تکریم شخصیت افراد و دل سرد کننده نسبت به فرزندان و تسلط بیش از اندازه آنان بر فرزندان، خود باعث می شود آنان خود را درمانده و نالایق بشمارند. در تربیت دینی شناساندن خوبی ها و نکوهش زشتی ها و بالا بردن درک تربیت دینی از مفاهیم و اصول تربیتی، اگر همراه با تکریم شخصیت مخاطبین صورت گیرد، منجر به تقویت ارزش های معنوی و سست کردن ارزش های ناهنجار و نکوهیده می گردد. تکریم شخصیت، تنها صفت کلامی نمی باشد، بلکه در برخوردها نیز لازم است؛ چرا که با نرمی و مهربانی و احترام به شخصیت است که مردم و خصوصاً نسل نوجوان و جوان به سمت ارزش ها راغب تر می شوند و به تجربه ثابت شده است که با اکراه و اهانت و تهدید نمی توان کسی را هدایت کرد: «فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس، ۹۹) «ای رسول، آیا تو می توانی همه را با جبر و اکراه مومن گردانی» (خنیفر، ۱۳۷۹).

۷. توجه بیش از حد به حیطة شناختی و بی توجهی به حیطة عاطفی

این آسیب از آنجا پدید آمده که بسیاری از معلمان ما هنوز کار معلم را انتقال اطلاعات به دانش آموز می دانند. هدف های آموزشی را متخصصان تعلیم و تربیت طبقه بندی کرده اند. معروف ترین طبقه بندی هدف های آموزشی که گروهی از متخصصان آموزش و اندازه گیری و ارزشیابی تدوین کرده اند، به نام «بنجامین بلوم» (۷) که سرپرستی آن گروه را برعهده داشته، شهرت یافته است. در این طبقه بندی، هدف های آموزشی نخست به سه حوزه یا حیطة (۸) با نامه ای شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم شده اند. حوزه شناختی، دانش و معلومات و توانایی ها و مهارت های ذهنی را شامل است. حوزه عاطفی با علاقه، انگیزش و نگرش سروکار دارد و حوزه روانی - حرکتی به فعالیت ها و مهارت هایی که هم جنبه روانی و هم جنبه جسمانی دارند، مربوط می شود (سیف، ۱۳۶۸).

همه معلمان - از جمله معلمان دروس دین و زندگی - در تدریس و ارزشیابی، فقط به حیطة شناختی توجه می کنند؛ بدین معنا که بیشتر کارشان با ذهن دانش آموز و بالا بردن اطلاعات و دانش او مربوط است. از همین رو هدف های دیگر در حیطة های عاطفی و روانی - حرکتی مورد غفلت قرار می گیرد. این مطلب یکی از آسیب های تربیت دینی است؛ زیرا در تربیت دینی بیشتر تغییر نگرش دانش آموز مطرح است تا تغییر دانش. علاوه بر این در این مقوله ما با شخصیت دانش آموز و درونی شدن ارزش ها در وجود او سروکار داریم، و این محقق نخواهد شد جز با توجه به حیطة عاطفی. البته این امر فقط در مورد دروس دین و زندگی صدق نمی کند، بلکه تاکید بیش از اندازه معلم بر مبانی نظری دیگر دروس و بی توجهی به جنبه های نگرشی و عملی، به سطحی شدن آموزش می انجامد و مانع یادگیری عمیق می شود.

در اینجا به سبب اهمیت موضوع، حیطه عاطفی را بیشتر توضیح می دهیم.

حیطه عاطفی

در تربیت دینی، معلم نباید فقط به دنبال افزایش دانش و اطلاعات دانش آموزان و پرورش ذهن آنان باشند، بلکه هدف اصلی، تغییر ارزش ها و نگرش های آنان است و این یعنی توجه به حیطه عاطفی، تغییر نگرش و ارزش برخلاف تغییر دانش و اطلاعات به زمان نیاز دارد و ناگهانی اتفاق نمی افتد. داشتن صبر و حوصله، یکی از شرایط هر معلمی، به ویژه معلم دینی است.

ایجاد تغییر در نگرش و علاقه دانش آموز طی مراحل گوناگونی انجام می گیرد و حیطه عاطفی سطوح یا مراتبی دارد:

الف) دریافت کردن یا توجه

در این سطح دانش آموز به عامل خاصی حساس می شود و به آن تمایل نشان می دهد؛ مثلاً به زیبایی قرائت قرآن یا شکوه نماز جماعت علاقه مند می شود. دانش آموز به توضیحات معلم در این زمینه گوش می دهد و به یادگیری مسائل دینی از خود رغبت نشان می دهد. این سطح، پایین ترین سطح و اولین مرحله از تغییر در حیطه عاطفی است.

ب) پاسخ دادن یا واکنش

در این مرحله دانش آموز به برخی عادت های مذهبی پاسخ دواطلبانه می دهد و از پاسخ خود نیز لذت می برد و رفتار خودانگیزه است؛ مثلاً هنگام شنیدن آیات قرآن سکوت می کند یا دواطلبانه به جمع قاریان قرآن می پیوندد یا از نماز خواندن لذت می برد و خوش حال است که این گونه عمل می کند.

ج) ارزش گذاری

در این قسمت دانش آموز نسبت به عقایدی که آموخته، وفادار است و از آنها دفاع می کند. او عقاید اسلامی را ترجیح می دهد و در رفتار مذهبی خویش دارای ثبات و پایداری است؛ زیرا وی برای این مسائل ارزش قایل است. در این سطح، دانش آموز به ارزش های مذهبی متعهد است و می کوشد برای خود الگوی مذهبی برگزیند. برای پی بردن به ورود دانش آموز به این سطح می توان محتوای مقالات او را مورد توجه قرار داد. دانش آموز اگر در شرایطی قرار گیرد که مخیر باشد نماز اول وقت بخواند یا کار دیگری انجام دهد در این مرحله نماز اول وقت را بر می گزیند و بعد به آن کار می پردازد.

د) سازمان دهی

در این سطح هنگامی که دانش آموز با چند ارزش روبه رو می شود می تواند برای آنها اولویت قایل شود، در برخورد با ارزش های جدید به داوری می پردازد، ارزش های مورد قبول خود را مطرح می کند و معیارهای خویش را در انتخاب ارزش ها دخالت می دهد.

ه) درونی شدن

آخرین و کامل ترین سطح حیطه عاطفی، درونی شدن ارزش ها در شخصیت دانش آموز است. در این سطح، نظام ارزشی، شیوه زندگی فرد می شود و به صورت فلسفه حاکم بر زندگی او در می آید. در این حالت، رفتار مذهبی فرد تحت تاثیر احساسات یا آثار محیط قرار نمی گیرد؛ زیرا جهانی بینی او شکل گرفته و ارزش ها در وجود وی متبلور شده است؛ مثلاً هنگام مسافرت از اتوبوس خارج شده و نماز می خواند، حتی اگر هیچ کس دیگری برای نماز حاضر نشود. در این حالت فرد به وحدت شخصیت مذهبی دست یافته است.

راهکارهای توجه به حیطه عاطفی در نظام آموزشی

معلمان دروس دین و زندگی برای تعمیق تربیت معنوی در دانش آموزان، لازم است موارد زیر را مورد توجه قرار دهند:

الف) فهرستی از گرایش ها و ارزش های مذهبی برای دانش آموزان کلاس خود تهیه کنند؛ مثال: پایبندی به نماز جماعت، لذت بردن از قرآن کریم و...؛

ب) زمینه تجربه کردن آداب مذهبی و... را با هماهنگی مدیر مدرسه برای دانش آموزان فراهم کنند، برای مثال بکوشند برای یک بار هم که شده، دانش آموز را با تجربه نماز جماعت، محفل شبی با قرآن، دیدار با علما، رعایت حجاب کامل اسلامی و ... روبه رو کنند؛

ج) از حوادث یا رویدادهایی که در جامعه به وقوع می پیوندد (مانند انتخابات) حداکثر استفاده را کنند. از ظهور محمدحسین طباطبایی علم الهدی استفاده کرده، کودکی امام جواد(علیه السلام) و امام عسکری(علیه السلام) و مقام امامت آنها را توضیح دهند. از موفقیت پرفسور عبدالسلام، برنده جایزه فیزیک نوبل استفاده کرده و بر مداومت ایشان بر قرائت قرآن پس از نماز صبح تاکید کنند؛

د) معماهای اخلاقی و دینی و تجربه هایی را برای دانش آموزان مطرح کنند و از آنها بپرسند که اگر به جای شخصیت های آن حادثه یا تجربه بودید، چه می کردید؟ تجربه هایی چون تجربه حربن یزید ریاحی در کربلا یا تجربه حضرت یوسف(علیه السلام) و...؛

ه) استادان و معلمان دینی تعصبات شخصی خود را کنترل کنند؛ زیرا استفاده معلم از نفوذ و قدرت خود برای تحمیل ارزش به دانش آموزان، خطای غیر قابل جبران است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

تحقق تربیت دینی در نظام آموزشی ایران در شرایط فعلی با آسیب هایی روبه روست. این آسیب ها، نظام آموزشی را احاطه کرده است و همواره مانعی فراروی تعمیق تربیت دینی است. برای رفع این آسیب ها و موانع، راه حل هایی پیشنهاد شد که می تواند نظام آموزشی را در جهت توسعه تربیت دینی یاری رساند و بدان سرعت بخشد.

مسئولان نظام آموزشی کشور باید تمام همت خود را برای اجرا کردن این راهکارها به کار گیرند و با برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت، زمینه را برای توسعه اهداف تربیت دینی آماده سازند.

برای تعمیق تربیت دینی در نظام آموزشی پیشنهاد می شود:

۱. استادان و معلمان معارف اسلامی از روش های غیر مستقیم و روش های فعال تدریس در تربیت دینی دانش آموزان استفاده کنند؛

۲. در مدارس وظیفه تعلیم از تربیت جدا نباشد و همه معلمان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، در تربیت دانش آموزان بکوشند؛

۳. هماهنگی و همکاری بین خانواده و مدرسه در زمینه تربیت دانش آموزان افزایش یابد؛

۴. دفتر تألیف کتاب های درسی وزارت آموزش و پرورش، تحولی در کتاب های درسی دین و زندگی ایجاد کند که به جذابیت این گونه کتاب ها برای دانشجویان بینجامد؛

۵. تنظیم برنامه ای کامل و دقیق تبلیغی جهت پاسخگویی به شبهات و سوالات نسل جوان و نوجوان به وسیله ی نهادهای ذیربط خصوصا حوزه های علمیه که وظیفه مهم و در عین حال خطیر نشر معارف اسلام را دارند. این برنامه تبلیغی باید علمی بوده و با شیوه های نوین و کارآمد بیانی به مخاطبان که اکثریت آن نسل جوان و نو جوان هستند ارائه شود به لحاظ محتوایی نیز علاوه بر غنای مطالب و متقن بودن آنها متناسب با نیاز مخاطب باشد.

۶. تاسیس یک نهاد و سازمان مستقل برای آسیب شناسی دینی جامعه . به دلیل ضرورت نیاز سنجی کامل اқشار مختلف جامعه به لحاظ دینی به این صورت که تیم هایی از کارشناسان زبده دین شناس و روانشناس و جامعه شناس در متن جامعه به آسیب شناسی و نیاز سنجی بپردازند بعد از نیاز شناسی دقیق و جامع و تحلیل و بررسی گروههای برنامه ریز به بر نامه ریزی برای رفع این نیازها بپردازند.

۷. تغییر اساسی در نظام آموزش و پرورش جهت نهادینه سازی معارف و تربیت اسلامی در دانش آموزان و دانشجویان . از طریق تدوین و باز نگری متون درسی و اسلامی ، استخدام و به کار گیری معلمان و اساتید کارشناس در مسائل دینی ،تاکید بر برنامه های دینی و فرهنگی در مدارس و دانشگاهها.

۸. تبدیل آموزه ها و معارف ناب اسلامی به صورت مطالب کاربردی و قابل اجرا در شوون مختلف زندگی.
 ۹. پرورش مبلغین و معلمین آگاه به معارف دینی در حد نیاز جامعه و برای قشر های مختلف جوان و نوجوان و کودک و... که آشنا به فنون نوین تبلیغ و تدریس با توجه به خصوصیت مخاطب بوده و از روش پژوهش و مطالعه برای به روز کردن مطالب خود استفاده کند.
 ۱۰. دقت و سرعت عمل نهاد های مربوط برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان تا قبل از اینکه تبدیل به معضل فرهنگی دینی شود.
 ۱۱. اصلاح رفتاری مسئولین نظام و دولت تا علاوه بر متخلق بودن به اخلاق و رفتار اسلامی کمر همت به رفع نیازهای جامعه اسلامی بپردازند تا جلوی برخی از آفتها و موجهای دین گریزی که به علت فقر و معضلات اقتصادی و فرهنگی به وجود می آید گرفته شود و مردم تحت فشار واقع نشوند.
 ۱۲. الگو سازی صحیح و قابل اقتدا از ائمه علیهم السلام و صلحای مومنین برای نسل جوان تشنه معارف.
 ۱۳. روحیه تحقیق و پژوهش در دانش آموز و معلم تقویت شود؛
 ۱۴. نقش الگویی استادان دینی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛
 ۱۵. معلمان دینی در تدریس و ارزشیابی به حیطة عاطفی توجه ویژه ای داشته باشند؛
 ۱۶. در تربیت دینی توجه به تشویق و تنبیه، مورد توجه استادان و معلمان مربوط قرار گیرد؛
- راهکارهای این مقاله به دست اندرکاران تربیت دینی سفارش میکند که به منظور اجرای تربیت دینی درست باید در درجه اول، افراد را از تعصبات و تمایلات بیجا دور نگه دارند و در درجه دوم در سایه توسل به آیه ("اذا اراد الله بعبد خیرا فقهه فی الدین") چون خداوند برای بنده ای خیر و نیکی خواهد، او را در دین دانا میگرداند، باید افراد را به عقل ورزی و دانایی محوری در دین تشویق کرد تا زمینه قرار گرفتن تربیت دینی در مسیر درست فراهم و به هدایت و خیر همه جانبه افراد منجر شود. الزامه چنین رسالتی به نوع برنامه درسی دینی اجرا شده در مکانهای آموزشی کشور در جنبه رسمی آن بستگی دارد. این نوع برنامه ها باید از اهداف غنی و مفید برخوردار باشد و بر تقویت دانش، نگرش و توانش فراگیران تأکید کند؛ به عبارت روشنتر، برنامه درسی دینی باید هم اطلاعات و معلومات فراگیران را درباره دین و آموزه های دینی افزایش دهد و هم بر توانمندیهای آنان در این زمینه مانند اجرای فرائض، مباحثه دینی، نوشتن و خواندن تفسیری و انتقادی درباره دین تأکید کند. به علاوه، باید نگرشها و تفکرات و علاقه مندی آنها را به دین پرورش دهد به گونه ای که حس شایستگی دینی در آنان افزایش یابد. این اهداف از طریق انتخاب محتوایی امکانپذیر است که بر سطوح بالای شناختی فراگیران مانند ارزشیابی و قضاوت تأکید کند و ضمن برخورداری از تنوع و سادگی، شامل دیدگاههای مذاهب و ادیان مختلف، و از تبعیض و تعصب و یکجانبه گرایی به

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

دور باشد تا موجبات مشارکت حداکثری فراگیران را در مباحثه و مکاشفه در حوزه دین فراهم سازد. این محتوا باید توسط معلمان و مربیان متعهد و متخصص به اجرا درآید و با استفاده از روشهای نوین یاددهی - یادگیری، که در آن یادگیرنده، فعال و متناسب با تواناییهای خود به فعالیت کاوشگرانه و علمی و انتقادی میپردازد، محیطی سرشار از تجربه و آموزندگی فراهم سازد. در نهایت، برنامه درسی اجرا شده باید با روشهای جدید که بر فعالیت یادگیرنده مبتنی است، مورد ارزشیابی قرار گیرد.

بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۱. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۰)، فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا (۱۳۷۹)، نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام)، مدرسه الامام علی بن ابن ابی طالب (علیه السلام)، قم.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۷۱)، «تربیت با روش الگویی»، نشریه پیوند، شماره صد و شصت و یکم.
۵. امور تربیتی (۱۳۶۰)، انسان، تربیت اسلام، دفتر تحقیقات امور تربیتی منطقه ۲ و ۵ آموزش و پرورش، تهران.
۶. تصدیقی، محمدعلی (آبان ۱۳۸۳)، «چالش های فراروی توسعه دانش و فناوری در نظام آموزشی ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس توسعه دانش و فناوری در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۷. تولستوی، لئو؛ (۱۳۶۴ش)، هنرچیست، ترجمه: کاوه دهگان، تهران، امیرکبیر.
۸. جمالی، محمدفاضل (۱۳۶۰)، تربیت از دیدگاه قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، کانون انتشارات محمدی، تهران.
۹. جمالی، محمدفاضل؛ (۱۳۶۰ش) تربیت از دیدگاه قرآنی، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، چاپ دوم، تهران، کانون انتشارات محمدی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۱ش) تفسیر تسنیم، چاپ سوم، قم، نشر اسراء.
۱۱. حسینی، افضل الملوک، «تربیت اخلاقی»، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، تهران، سال هفتم، شماره سوم.
۱۲. خطیب، محمد شحات؛ اصول التربیه الاسلامیه، ریاض، دارالخریجی، ۱۴۱۵ق.
۱۳. خنیفر، حسین، «اصول اساسی در تربیت مذهبی»، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، تهران، سال شانزدهم، آذر ۱۳۷۹.
۱۴. خوری الشرتونی، سعید؛ اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۸)، لغت نامه، موسسه لغت نامه دهخدا، تهران.
۱۶. سادئی، علی، «بررسی عوامل موثر در ترغیب دانش آموزان به نماز»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران، شماره چهل و هفتم.
۱۷. سیف، علی اکبر (۱۳۶۸)، روان شناسی پرورشی، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
۱۸. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۹. شکوهی یکتا، محسن (۱۳۷۰)، تعلیم و تربیت اسلامی، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.
۲۰. عطاری، احمد، «اسوه و کاربرد آن در تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان»، ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، تهران، سال چهاردهم، شماره نهم.
۲۱. کارل، آلكسیس؛ راه و رسم زندگی، ترجمه: پرویز دبیری، اصفهان، کتاب فروشی تأیید، ۱۳۳۶ش.
۲۲. کاظم زاده ایرانشهر، حسین؛ اصول اساسی فن تربیت، تهران، اقبال، ۱۳۵۷ش.
۲۳. کانت، آمانویل؛ تعلیم و تربیت، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.
۲۴. کبیرزاده، زهرا (۱۳۸۰)، «نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی در جامعه»، مجموعه مقالات همایش معلم، فرهنگ، توسعه، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، اصفهان.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، انسان و ایمان، صدرا، تهران.
۲۶. _____ (۱۳۶۰)، ده گفتار، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.
۲۷. _____ (۱۳۷۰)، یادداشت های استاد مطهری، ج ۲، صدرا، تهران.
۲۸. _____ (۱۳۵۸، الف)، خاتمیت، صدرا، تهران.
۲۹. _____ (۱۳۵۸، ب)، ختم نبوت، صدرا، تهران.
۳۰. _____ (۱۳۵۸، پ)، اسلام و مقتضیات زمان، صدرا، تهران.
۳۱. _____ (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، تهران.
۳۲. _____ (۱۳۷۶)، حماسه حسینی، صدرا، تهران.
۳۳. _____ (۱۳۷۰)، علل گرایش به مادی گری، صدرا، تهران.
۳۴. _____ (۱۳۵۸، ت)، بیست گفتار، صدرا، تهران.
۳۵. _____ (۱۳۵۸، ث)، تکامل اجتماعی، صدرا، تهران.
۳۶. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
۳۷. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۱)، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، امیرکبیر، تهران.
۳۸. مرکز اسناد و مدارک علمی (۱۳۶۲)، واژه نامه آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، تهران.